

موقعیت آسیب پذیر زنان مهاجرتبار در جامعه سوئد

زهرا باقری شاد*

با وجود این که بسیاری از زنان مهاجرتبار در جامعه سوئد از تحصیلات دانشگاهی و بالا برخوردارند، از موقعیت مناسب در بازار کار این کشور برخوردار نیستند.

آنها همچنین در زمینه بهداشت جسمی و روانی در مقایسه با زنان سوئدی تبار با میزان آسیب های بیشتری روبرو هستند. میزان بیکاری در میان آنها بیشتر و فقر مطلق و نسبی نیز در میان این زنان به مراتب از بقیه افراد جامعه سوئد بالاتر است. ضرورت بررسی این مساله و موقعیت زنان مهاجرتبار در بازار کار و جامعه سوئد، در سمیناری در پارلمان سوئد با حضور تعدادی از محققان، سیاستمداران و روزنامه نگاران مورد بررسی قرار گرفت. در این سمینار که در روز ۱۹ مارس برگزار شد، امینه کاکاباوه، نماینده پارلمانی حزب چپ سوئد به عنوان برگزارکننده این سمینار بر اهمیت بررسی وضعیت زنان مهاجرتبار که بسیاری از آنها مورد ستم واقع شده اند تاکید بسیار کرد و گفت: "حتی برخی از این زنان سواد خواندن و نوشتن ندارند، یا همسران آنها مانع از حضورشان در جامعه می شوند یا به خاطر شرایط نابرابر و به دلیل وجود تبعیض نمی توانند در جامعه سوئد نقش موثری داشته باشند". او با اشاره به برپایی این سمینار به مناسبت روز زن افزود: "ما بارها چنین جلساتی در پارلمان برگزار کردیم و نمایندگان، محققان و سیاستمداران مختلفی در آنها شرکت کردند اما هرگز هیچ عضوی از حزب خارجی ستیز سوئد در این جلسات حضور نداشتند و اصلا آنها مساله زنان مهاجرتبار را مساله جامعه سوئد نمی دانند. اما امروز خوشحالم که این جمعیت انبوه در سمینار ما حضور دارند تا بتوانیم از نتایج تحقیقات محققان در این زمینه و نیز سیاستگذاریهای دولت درباره وضعیت زنان مهاجرتبار مطلع شویم".

در حاشیه بودن

کاتارین گونارسون، خبرنگار رادیو سوئد به عنوان نخستین سخنران در این سمینار با اشاره به تجربه کار ۲۰ ساله اش در رادیو سوئد

گفت: " من ۲۰ سال است که درباره مسائل زنان گزارش تهیه می کنم و به ویژه بر مساله خشونت های ناموسی متمرکز هستم و بارها مورد انتقاد قرار گرفته ام که چرا درباره فرهنگ ناموسی صحبت می کنم. البته درک می کنم که این حوزه بسیار حساسی است اما به نظرم در عین حال بسیار هم مهم است و باید به آن توجه فراوان شود". او از سلسله گزارش هایش درباره وضعیت زنان مهاجر سخن گفت و افزود: " در گزارش هایی که از وضعیت زنان مهاجرتبار در هفت شهر سوئد تهیه کردیم اطلاعات میدانی بسیاری از این زنان به ویژه در مناطق حاشینه نشین وجود دارد، مناطقی نظیر رینکبی و تنستا در استکهلم. ما در این تحقیقات و گزارش های میدانی دریافتیم که میزان حاشینه نشینی زنان مهاجرتبار در این دو منطقه از همه مناطق در سوئد بیشتر است".

این خبرنگار در سلسله گزارش های میدانی خود از وضعیت زنان مهاجرتبار در جامعه سوئد، با زنانی آشنا شده که دوره کوتاهی را به تحصیل پرداخته اند یا اصلا سواد خواندن و نوشتن ندارند و اگرچه نسبت به وضعیت خود اظهار ناخرسندی و نارضایتی می کنند اما معتقدند دیگر فرصتی برای دستیابی به شرایط مناسب در اختیار ندارند. بر اساس این گزارش ها وضعیت بحرانی و دشوار در میان زنان سومالی تبار به مراتب از بقیه زنان مهاجرتبار بیشتر است. این در حالی است که به گفته کاتارین، اغلب این زنان برای عهده دار شدن مسئولیت های مختلف از جمله نگهداری از خویشاوندان و پدر و مادر سالمند خود به یادگیری زبان سوئدی و تحصیل در جامعه نیازمندند.

این خبرنگار در ادامه بخشی از یک گزارش میدانی را پخش کرد که شامل گفتگو با زنان ترکیه ای تبار ساکن سوئد بود. او درباره این گزارش گفت: " این گزارش از دشواری موقعیت و نیز تلاش های این زنان برای بهبود شرایطشان خبر می دهد. از جمله درباره زنی که نزدیک به ۲۶ سال است از ترکیه به سوئد مهاجرت کرده اما هنوز نمی تواند به زبان سوئدی حرف بزند. این زن و نیز برخی از زنان دیگری که در این گزارش میدانی با آنها گفتگو کرده ایم وقتی به سوئد آمدند که ۱۲ یا ۱۳ ساله و مزدوج بودند. امروز حدود ۳۷ ساله هستند و نه سواد خواندن دارند و نه نوشتن. هزاران زن مثل آنها در منطقه سکونتشان با مشکل مشابه مواجهند و امکان ورود به بازار کار را ندارند. تعدادی از این زنان می گویند که وقتی بچه دار شدند فکر کردند بهتر است بچه ها را به مهدکودک نفرستند و خود در خانه از آنها مراقبت کنند با این امید که بعد از بزرگ شدن بچه ها بتوانند به

تحصیل بپردازند و به دنبال کار باشند. اما امروز دریافته اند که شرایط برای آنها بسیار سخت است و ورود به بازار کار با توجه به شرایط فعلی تحصیلی آنها اصلاً ممکن نیست".

کاتارین در ادامه گزارش صحبت های مسئول بهم پیوستگی در کومون بولنگه را بازپخش می کند که نسبت به ورود این زنان به بازار کار بسیار نومید است و می گوید: "در دوره های سخت اقتصادی حتی جوانانی که اینجا تحصیل کرده اند با دشواری های بسیاری برای پیدا کردن کار روبرو هستند. بنابراین زیاد سخت نیست که بفهمیم برای این زنان خارجی تبار که حتی تحصیلات ندارند و زبان هم بلد نیستند غیرممکن است که بتوانند کاری در بازار کار سوئد پیدا کنند".

تبعیض های ساختاری علیه زنان مهاجرتبار

مهرداد درویش پور، جامعه شناس و استاد دانشگاه ملاردالن به عنوان سخنرانی بعدی ضمن توضیح اینکه مساله زنان مهاجر از ۱۹۹۷ تا رساله دکترایش و پس از آن تا به امروز یکی از اصلی ترین حوزه های تحقیقات او بوده است به معرفی نتایج جدیدترین بررسی خود در کتاب در حال چاپش با عنوان "قومیت و مهاجرت، نگاهی به جامعه چندفرهنگی سوئد" پرداخت و گفت: "دولت رفاه در سوئد یکی از پیشرفته ترین دولت های رفاه در جهان بوده با رشد اقتصادی چشمگیر والگویی برای دیگر کشورها. اما متأسفانه در چند دهه اخیر با تضعیف دولت رفاه در سوئد سه گروه بیشتر از همه مورد آسیب قرار گرفته اند. مادران تنها، مهاجران و جوانان. گروه هایی که هر سه ویژگی را دارند بیشترین آسیب را می بینند یعنی مادران تنها و جوان مهاجر تبار".

او اشاره کرد که شکاف بین میزان اشتغال مهاجران با سوئدی تبارها بسیار گسترده است؛ در حالیکه ۸۳ درصد سوئدی تبارها در سال ۲۰۱۳ اشتغال داشتند این رقم در مورد زنان مهاجرتبار حدود ۶۰ درصد است. شکاف در اشتغال میان سوئدی تبارها و خارجی تبارها در سوئد در مقایسه با ۲۱ کشور اروپایی از بیشترین میزان برخوردار است. میزان بیکاری در میان سوئدی تبارها ۶ درصد و در میان مهاجرتبارها بیش از ۱۳ درصد است. اگر سن، قومیت و جنسیت را با هم در نظر بگیریم میزان بیکاری در میان زنان جوان مهاجرتبار در سوئد در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد است یعنی ۵ برابر متوسط بیکاری در کل سوئد.

به گفته این محقق، دستمزدهای مهاجرتبارها از جمله زنان مهاجرتبار

متولد آسیا، آفریقا یا برخی کشورهای اروپای شرقی به مراتب کمتر از سوئدی تبارها است. به گونه ای که تفاوت درآمد غیرقابل توضیح از نظر صلاحیت شغلی سالانه به ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار کرون در سال می رسد. این درحالی است که میزان تحصیلات بعد از دبیرستان در میان سوئدی تبارها ۳۸ درصد و این رقم درباره خارجی تبارها ۳۶ درصد است. به عبارت دیگر سوئد تحصیل کرده ترین گروه مهاجران در اروپا را دارد. اما با وجود این تفاوت تحصیلی بسیار کم از جمله بین زنان سوئدی تبار و مهاجرتبار، تفاوت شغلی و درآمدی میان این دو گروه بسیار بالاست

درویش پور با اشاره به وضعیت بهداشتی و سلامت مهاجرتباران در جامعه سوئد گفت: " ۸۴ درصد سوئدی تبارها از سلامت خوبی برخوردارند. این رقم برای زنان خارجی تبار تنها ۶۹ درصد است. درصد آنهایی که از وضع بهداشت و سلامتی بدی برخوردارند، در سوئدی تبارها ۴ درصد و در خارجی تبارها ۱۷ درصد است. و این رقم درباره زنان مهاجرتبار از این هم بیشتر است. حتی هنگامی که موقعیت اقتصادی، شغلی، سنی و عوامل موثر دیگر هم کنترل شده است این رقم به ۱۰ درصد کاهش یافته است که به معنی آن است که دو برابر و نیم از سلامتی بدتری برخوردارند. درباره سلامت روانی هم ۶ درصد از زنان جامعه سوئد از دشواریهای روانی رنج می برند و این رقم درباره زنان مهاجرتبار غیراروپایی ۲۲ درصد است. همچنین در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۹۰۰۰۰۰ در سوئد در فقر نسبی و مطلق به سر می بردند؛ ۱۱ درصد در فقر نسبی و ۵ درصد در فقر مطلق. درحالیکه میزان فقر مطلق در میان زنان خارجی تبار ۱۹ درصد بود".

این جامعه شناس افزود: " درحالیکه زنان مهاجرتبار جوان و سالمند از بدترین شرایط اقتصادی و اجتماعی برخوردارند کمترین دسترسی را به سیستم رفاه اجتماعی دولت سوئد دارند. این وضعیت نه فقط در بازار کار و اجتماع بلکه در خانواده هم برای این زنان وجود دارد. زنان مهاجرتبار درصد به مراتب بیشتری از کار خانگی و مراقبت از کودکان را برعهده دارند و خشونت علیه زنان مهاجرتبار به مراتب گسترده تر از دیگر گروه های اجتماعی است. بالاترین میزان این خشونت اما در خانواده هایی است که مرد سوئدی تبار و زن از آسیای شرقی است".

او ضمن انتقاد از سیاست های دولت سوئد، دیدگاه هایی که علت موقعیت وخیم زنان مهاجرتبار را تنها در فرهنگ پدرسالارتر خانواده های مهاجرتبار می دانند مورد نقد قرار داد و گفت: " سه عامل فاصله

طبقاتی روزافزون و کاهش دولت رفاه، تبعیض نژادی ساختاری در جامعه، و تبعیض جنسیتی و نظام مردسالار خشن تر در خانواده های بسیاری از مهاجرتباران، اصلی ترین دلایل توضیح دهنده این موقعیت هستند. به همین دلیل ما نیازمند یک سیاست ورزی مبتنی بر فمینیسم ضدنژادپرست و میان برشی هستیم برای فهم و تغییر موقعیت زنان مهاجرتبار در سوئد. یعنی به جای اینکه دغدغه اصلی امان تطبیق زنان مهاجر با الگوهای فرهنگی جامعه سوئد باشد باید به افزایش قدرت آنها در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی توجه کنیم. نقطه عزیمت ما باید سیاستگذاری در راستای گسترش امکانات برای زنان مهاجرتبار باشد. اگر تبعیض ها علیه زنان مهاجرتبار ساختاری است در نتیجه باید از تبعیض مثبت در سیاستگذاری به عنوان یکی از نقطه عزیمت های کلیدی برای تغییر موقعیت این زنان دفاع کنیم".

میلیشیا رضایی، مشاور وزیر کار دولت سوسیال دمکرات سوئد، سخنران بعدی بود که ضمن تایید صحبت های درویش پور تاکید کرد: "البته من معتقد نیستم که دولت سوسیال دمکرات، فرهنگ گرایی را مبنای قضاوت و برخورد با زنان مهاجرتبار قرار داده بلکه این دولت تلاش می کند با کاهش فاصله طبقاتی و اتخاذ فعال تر سیاست ضدتبعیض، موقعیت این زنان را بهبود ببخشد. با اینهمه من هم تاکید می کنم پیشداوری های قومی از زنان مهاجر همچون گروهی توسری خورده و مشکل دار مانع از فهم منابع قدرت آنها و بهبود موقعیتشان می شود".

او به برنامه ریزی هایی که برای بهبود موقعیت زنان بی سواد مهاجرتبار در سوئد در پیش گرفته شده است اشاره کرد و از حزب چپ سوئد خواست که از لایحه جدیدی که دولت برای بهبود موقعیت زنان مهاجر در پارلمان ارائه خواهد داد حمایت کنند. رضایی افزود: "افزایش شکاف طبقاتی در دهه های اخیر نقش بسیار مهمی در به حاشیه راندن زنان مهاجرتبار ایفا کرده است. از این نظر اتخاذ یک سیاست طبقاتی مبنی بر کاهش این شکاف، مهمترین راه برای بهبود موقعیت زنان مهاجرتبار در جامعه سوئد است. از این رو مبارزه با تبعیض نژادی و مبارزه با شکاف طبقاتی و تبعیض جنسیتی باید به طور همزمان صورت بگیرد".

عدم برخورداری از قدرت و امکانات کافی

وکونوک، پژوهشگر عرصه زنان مهاجر به عنوان آخرین سخنران به تحقیقات چندین ساله اش درباره موقعیت زنان مهاجر در بازار کار سوئد اشاره کرد و گفت: "از سال ۱۹۴۶ سوئد واقعا به نیروی کار

نیاز داشت و سیاستمداران در این راستا اقدام کردند بیشتر در رابطه با مردان مهاجر در بازار کار به عنوان نیروی اصلی کار اقدام کردند. درباره زنان در هیچ سیاست و برنامه ریزی حرفی زده نشد و آنها مورد توجه قرار نگرفتند. تا اینکه در دهه ۱۹۵۰ زنان مهاجرتبار به عنوان بخشی از نیروی کار در بخش صنعتی سوئد وارد شدند. در این دهه زنان مهاجر ۵۵ درصد از جمعیت کل مهاجران سوئد را تشکیل می دادند و به نظر حتی فعال تر از مردان می رسیدند اما در افکار عمومی و برنامه ریزی های رسمی کشور فقط درباره مردان مهاجر به عنوان نیروی کار مهاجر صحبت می شد. این تصویر وجود داشت که زنان مهاجرتبار سنتی هستند و کار نمی کنند و این مردان مهاجر هستند که وارد بازار کار می شوند اما واقعیت این نبود".

او افزود: " در ۱۹۶۰ زنان زیادی از ترکیه، یوگسلاوی و یونان برای کار به سوئد آمدند. بازار کار سوئد به آنها نیاز داشت. ۴۴ درصد از زنان خارجی تبار در سوئد در بازار مشاغل پست مشغول بودند در حالیکه تنها ۷/۱۴ درصد از زنان سوئدی در بازار کارهای پست و سطح پائین نظیر کار در آشپزخانه و تمیزکاری و نظافت را برعهده داشتند. نظافت مهمترین شغلی بود که زنان مهاجرتبار به آن مشغول بودند. در این میان ۵۴ درصد از زنان فنلاندی تبار، ۵۰ درصد از زنان یونانی تبار و ۷۰ درصد از زنان یوگسلاوی تبار به این مشاغل می پرداختند. این درحالی بود که ۳۳ درصد زنان سوئدی کار صد درصد و تمام وقت داشتند".

به گفته این پژوهشگر، آنچه بعد از آن رخ داد افزایش مهاجرت مردم از خارج از اروپا به سوئد بود که تصویر منفی نسبت به مهاجرتباران را در این کشور به مراتب تشدید کرد. مهاجران همچنان به دنبال کار بودند اما موقعیت برای کار پیدا نمی کردند. این به معنای آن نبود که نیاز به کار نداشتند بلکه شرایط برایشان مهیا نبود. هرچند که در همان حال و پس از آن بازار کار بسیار تغییر کرد اما موقعیت زنان مهاجرتبار در این بازار همچنان دشوار بود. و این سوال هنوز وجود دارد که چرا همیشه این زنان در کارهای پست و سطح پایین و نیز با درآمدهای کم مشغول کار بودند ؟

وکونوک در اینباره تاکید کرد: " من فکر می کنم کارفرمایان چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی باید در اینباره تجدید نظر کنند و در نظر داشته باشند که موقعیت زنان در بازار کار می تواند از شغل های سطح پایین به شغل های سطح بالاتر تغییر کند؛ من در یکی از مطالعاتم با زنان شاغل در بخش نظافت روبرو شدم که محبور بودند به

شدت کار کنند و یک کار بسیار دشوار را بر عهده داشتند. این خیلی خوب است که زنان مهاجرتبار به هر رو شانس ورود به بازار کار را داشته باشند اما نه اینکه شانس برخورداری از شغل های سطح بالا را هیچ وقت به دست نیاورند. چنین موقعیتی با مساله مهاجر بودن آنها ارتباط دارد و این تصور را به وجود می آورد که زنان مهاجر ناتوانند. اما آنها ناتوان نیستند، بلکه از منابع قدرت کافی برای دسترسی به امکانات و شبکه های مهم برای حضور در بازار کار برخوردار نیستند و این مساله ای است که ما باید بسیار با دیده انتقاد به آن نگاه کنیم. چون موقعیت زنان مهاجرتبار در بازار کار نشان می دهد که سیستم رفاه سوئد چندان برای زنان مهاجرتبار رفاه آفرین نبوده است".

در پایان این جلسه فرشته احمدی، جامعه شناس و استاد دانشگاه یوله به عنوان نظردهنده در این سمینار ضمن موافقت با بحث های مطرح شده به ریشه دار و تاریخی بودن مساله قوم مداری در سوئد اشاره کرد و گفت: "تحقیقات نشان می دهد که سوئدی هایی که در بازار کار با مهاجران از نزدیک تماس دارند پیشداوری های قومی در آنها کمتر می شود و این نشان می دهد که تماس نزدیک چقدر در کاهش پیشداوری های قومی و تغییر وضعیت مهاجران در جامعه و بازار کار سوئد موثر است".

او افزود: "اما در عین حال مساله موقعیت زنان مهاجرتبار در بازار کار و جامعه سوئد را تنها با مساله تبعیض نژادی نمی توان توضیح داد بلکه مساله فرهنگ جمعی و فردی هم در میزان ادغام این افراد در جامعه نقش دارد. از این رو باید به تفاوت های فرهنگی بین کشورهای با فرهنگ جمع گرایی مثل ایران و کشورهای دارای فرهنگ فردگرایی مثل سوئد توجه کنیم چرا که فرهنگ جمع گرایی می تواند مانعی در راه ادغام بیشتر در جامعه باشد".